

استاد مارینا

با فراسو و مارینا عربیت فراتر تر از تصوّرته

پیش به سوی قله عربی



سراسری 1401

1 عین الكلمات الغربیه فی المعنی :

(1) یسوء - ساء - یئس - سیئه

(2) ضل - اهدى - وعد - ادع

(3) السخریه - تنابز - استهزاء - تجسس

(4) أدنى - أقصى - أبعد - أقرب



سراسری 1401

2 أنزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم .

(1) آب را از آسمان نازل کرد و از میوه ها روزی برای شما قرار داد !

(2) از آسمان آب را نازل کرد و از ثمره ها روزی برای شما بیرون آمد .

(3) آبی از آسمان فرو فرستاد و بوسیله آن ثمره های رزق را برای شما خارج ساخت .

(4) از آسمان آبی فرو فرستاد پی بوسیله آن از میوه ها رزقی را برای شما خارج ساخت



سراسری 1400

3 « هُناک لا انسان بدون خطا ولکنه یفشل عندما بعد نفسه عالما یعرف کل شیء »

- 1) هیچ انسانی نیست که خطا نکند ، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز بشمار آورد ، شکست خواهد خورد !
- 2) انسان بدون اشتباه هیچگاه وجود ندارد اما او می بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هر چیزی را میدانسته است .
- 3) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد ولی زمانی که خودش را عالمی بشمار آورد که همه چیز را می داند شکست می خورد .
- 4) انسان هیچگاه بدون اشتباه نیست ، اما زمانی می بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هر چیزی آگاه است .



سراسری 1400

4 قررت مع اختی الضغری أن نذهب غذا راس الساعة التاسعة و النصف الى المتحف
لمشاهدة الآثار التاريخية !

- (1) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم
- (2) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتیم سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزه ها برویم .
- (3) من و خواهرم ضغری قرار گذاشتیم راس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزه ها برویم
- (4) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتیم که فردا راس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم



سال دوازدهم

مبحث حال

تست قطعی کنکور 1403-1404



معادل حال در فارسی

حال = قید حالت



مهربان

مهربانانه

در حال مهربانی

با مهربانی



مباحث عربی دوازدهم

تعریف حال

اسمی که چگونگی فاعل و یا مفعول (صاحب حال) در جمله مشخص کنند .

علی مهربان آمد - علی با مهربانی وارد کلاس شد .

فاعل	حال	فاعل	حال
صاحب حال		صاحب حال	

علی را با چهره ای مهربانانه دیدم - علی را در حال مهربانی با کودکان دیدم .

مفعول	حال	مفعول	حال
صاحب حال		صاحب حال	



انواع حال (قيد حالت)



1. حال مفرد (تک کلمه)



اسمی مشتق ، نکره و منصوب که در مورد فاعل یا مفعول جمله توضیح می دهد .



یادآوری ویژه دانش آموزان ثبت نام مهر ماه

مشتق (وصفی) حالتی را نسبت می دهد

(1) اسم فاعل



فاعل (حاکم)
(هادی)

مُرِّ - (مُعَلِّم)

(2) اسم مفعول



مفعول
(محکوم)

مُذَّ - (مُعَلِّم)

(3) صفت مشبیه



بیانگر حالات مختلف می باشد .

فَعَلَ (حَسَن) / فَعِلَ (حَشِین) / فَعَلَ (سَهْل) /

فَعِيلَ (شَرِیف) / فَعْلَان (غَضَبَان)

نکره

هر آنچه **معرفه** نباشد (**ال** نداشته باشد ،
تنوین میتواند داشته باشد)

منصوب

1) تَلْمِیْذٌ - تَلْمِیْذٌ - تَلْمِیْذٌ - تَلْمِیْذٌ



2) یَنْ در مثنی : تَلْمِیْذِیْنِ

3) یَنْ در جمع : تَلْمِیْذِیْنَ



مثال

رَجَعَ المقاتلون من الجبهة مُنْتَصِرِينَ

صاحب حال
فاعل

مشتق - نكرة - منصوب
حال مفرد و منصوب

شاهدتُ الممرضات في المستشفى سَاهِرَات

صاحب حال
مفعول

مشتق - نكرة - منصوب
حال مفرد و منصوب



مثال

تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةَ فِي إِدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ سَاعِدُ أُمِّهَا

مشتق - نكرة - منصوب

حال مفرد و منصوب

أَنَّهَا تُطْلِقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ

مشتق - نكرة - منصوب

حال مفرد و منصوب



(2) حال جمله (جمله حالیه)

و + مبتدا + خبر مرفوع
واو حالیه جمله حالیه

فرمول

رجع المقاتلون من الجبهه و هم مُنتَصِرُونَ

واو حالیه جمله حالیه

الطلاب كانوا يشاهدون درجاتهم و هم فرحون جداً

واو حالیه جمله حالیه



تذکر 1

صاحب حال از لحاظ **جنس** (مذکر-مونث) و
تعداد (مفرد-مثنی-جمع) با حال تطابق خواهد داشت .

وصل المسافران الى المطار مُتأخرين و ركباً الطائرة

صاحب حال
مثنی - مذکر

(مشتق-نکره-منصوب)
حال
مثنی - مذکر



تذکر 2

حال در جواب سوال کیف (چگونه) می آید .

کیف نظر الالب الی ولده ؟ مُشَفِّقاً

(مشتق-نکره-منصوب)
حال



عين الحال جمله :

5

- (1) جاء الطالب و يبشرنا بنجاحه فى الامتحان
- (2) ذهب لاعبون الى المسابقه يرجون فوزهم
- (3) شاهدتما و هى تتكلم مع صديقتها الصالحه فى ساحه المدرسه
- (4) دخلت امراه مسلمه فى الشوون الاجتماعيه و ظهرت غير متزينه



عين الحال :

6

- (1) في الغرفه شاهدتُ الموظفين الدووبين في اعمالهم
- (2) ترانى صديقه مشغوله بالمطالعه
- (3) نحن نعلم طلابنا باحثين في العلوم
- (4) تحبُ المعلمه تلميذه نشيطه في دروسها



7 عَيْنَ مَا لَمْ يُذَكَّرْ فِيهِ الْحَالُ:

- 1) لَمْ يَكُنْ هَذَا الطَّالِبُ فِي أُمُورِهِ مُتَقَدِّمًا!
- 2) اِشْتَرَكْنَا فِي حَفْلَةِ مَدْرَسَتِنَا مُتَأَخِّرِينَ
- 3) اِسْتَمَعَ الْمُؤْمِنُ إِلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ مُتَأَمِّلًا
- 4) إِنَّ مَعْلَمِي يَدْرُسُ فِي الْمَدْرَسَةِ مُجْتَهِدًا



8 عَيْنَ عبارة فيها «الحال»:

- 1) إنَّهم كانوا فرحين بسبب نجاحهم في المسابقات العالميَّة!
- 2) شاهدتُ في تلك المدينة رجالاً مؤمنين بالله و اليوم الآخر (2)
- 3) لا تكن كمن يتكلَّمون مع النَّاس كاذبين (3)
- 4) !صارت المرأة خاشعة عندما سمعت آيات القرآن الكريم (4)



عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ لِإِيجَادِ أُسْلُوبِ الْحَالِ : «أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ.....»:

1) مُنْذِرَانِ

2) مُبَشِّرَيْنِ

3) مُنْذِرُونَ

4) مُبَشِّرًا



سر اسری 1401

عین ما فیہ الحال :

10

- (1) جاء لنا مدعوون كثيرون هم ناولوا الطعام في ساعه متاخره
- (2) جاء ضيوف كثيرون و جاء صاحب البيت و استقبلهم بحفاوه
- (3) جاء الضيوف الكثيرون و هم يتكلمون عن ذكريات الضيافه
- (4) جاء لنا المدعوون الكثيرون حين كنا نبكلم مع أصدقائنا



سراسری 1400

عين ما فيه الحال :

11

- (1) أن شجرة الخبز شجرة عجيبه و تحمل الاثمار فى نهايه الاغصان
- (2) رايت شجرة الخبز و هى تحمل أثمارها فى نهايه أغصانها
- (3) رايت شجرة الخبز التى تحمل الاثمار فى نهايه الاغصان
- (4) شجرة الخبز شجرة تحمل أثمارها فى نهايه أغصانها

